

عنوان : جستاری بر آرا وهابیت و علل دشمنی با شیعیان

محققین : ام البنین فیروزی^۱، فاطمه حسنلو، آمنه الهیاری، فریده اسدالهی^۲

چکیده

فرقه وهابیت، در قرن دوازدهم توسط محمد ابن عبدالوهاب بنیانگذاری شد که این نام را اهل سنت و شیعیان بر آن نهادند درحالی که آنان خود را سلفی می نامند. وهابیون با شبهه افکنی در زمینه های مختلف اعتقادی، آیات و روایات شروع به مخالفت و دشمنی با اهل سنت و شیعیان کردند تا در صدد نابودی ادیان حق، خصوصا اسلام و شیعیان برآید و نظرات باطل خود را گسترش دهند. حال این پرسش مطرح می شود که آرا و علل دشمنی وهابیت با شیعیان چیست؟ نگاشته پیش رو می کوشد ضمن بیان دیدگاه های وهابیت دیدگاه شیعه را نیز در مقام دفاع بیان کند این تحقیق به روش اسنادی، کتابخانه ای و در مقام داوری به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده. برخی از تفکرات وهابیت شرک دانستن متوسل شدن به اهل بیت و ائمه، مسئله شفاعت و زیارت اهل قبور، تفکرات خاص در مورد انواع توحید، قیامت، برزخ و... است که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد و در نهایت با ارائه اسناد معتبر از جمله آیات و روایات بی اساس و پایه بودن آرا وهابیت و تفسیر به رای کردن آن ها ثابت می شود.

کلید واژه ها: آرا، وهابیت، دشمنی، شیعیان

^۱. فارغ التحصیل سطح ۳ (استاد راهنما)

^۲. طلاب سطح ۲ مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام

مقدمه

همواره در طول تاریخ دشمنان در زمینه های مختلفی سعی در فلج نمودن اعتقادات شیعی داشته اند . دشمنانی که خود را مسلمان می دانند و به نام دفاع از دین به دین ضربه وارد می کنند که این به مراتب سخت تر و خطرناک تر است . یکی از اهداف اصلی پیدایش فرقه های مختلف نشانه گرفتن اعتقادات دیگر ادیان خصوصا اسلام و شیعیان است از جمله این فرقه ها می توان به فرقه ضاله وهابیت اشاره کرد .

عقاید و آرائی که وهابیت دارند عقلانی و منطقی و با استناد به هیچ آیه و روایتی نمی باشد بلکه بیشتر نظرات و رای های صادر شده از این فرقه یا براساس تفسیر به رای است یا براساس تعصبات بی پایه و یا روایات ضعیف السند . برخی از تفکرات وهابیت شرک دانستن متوسل شدن به اهل بیت و ائمه ، مسئله شفاعت و زیارت اهل قبور ، تفکرات خاص در مورد انواع توحید ، قیامت ، برزخ و..... است که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد.

منابع بسیاری با موضوع وهابیت وجود دارد از جمله این منابع می توان به کتاب ها : وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی ، وهابیت بر سر دو راهی ، مقالات و پایان نامه ها : فلسفه و کلام حیات برزخی از دیدگاه وهابیت ، نقد اندیشه های وهابیت اشاره کرد . در این مقاله سعی شده تا با گردآوری برخی از عقاید وهابیت به علت دشمنی آنان با شیعیان پرداخته شود و بعد از بررسی هر عقیده پاسخ و نظر شیعه بیان شود تا مطالعه برای خواننده سهل گردد.

تعریف شیعه :

شیعه در لغت به معنای مشایعت ، پیروزی و شجاعت است . همچنین به معنای پیروان و یاران اطلاق می شود . این اصطلاح در میان مسلمانان به یاران و پیروان امام (علی علیه السلام) شناخته می شود . همانطور که ازهری گفته : شیعه یعنی گروهی که دوست دارعترت و خاندان پیامبر هستند . ابن خلدون می گوید: بدان که شیعه در لغت عبارت است از یاران و پیروان و درعرف فقها و متکلمان گذشته و حال ، به پیروان علی و فرزندان اطلاق می شود.

شیعه در منابع شیعی ، بیش از یک معنا و مفهوم ندارد و آن هم اعتقاد به جانشینی حضرت (علی علیه السلام) و یازده فرزند او بعد از درگذشت پیامبر (صل الله علیه وآله) تا غیبت صغری ، بدون تغییر و اختلاف است .^۱

تعریف وهابیت (سلفی گری):

سلف ، سلیف ، سلفا ، سلوفا یعنی پیشی گرفت سالف یعنی پیشی گیرنده .^۲

از نظر اصطلاح محمدابو زهره می نویسد : منظور از سلفیه کسانی هستند که خود را به سلف منسوب کرده اند آنان در قرن چهارم هجری ظهور کرده اند و از حنبلیان بوده اند و چنین می پنداشته اند که تمام آراشان به امام احمد بن حنبل بر می گردد، سپس در قرن هفتم ظهور تازه یافتند و شیخ الاسلام ابن تیمیه آن را دوباره زنده کرد و مردم را به آن دعوت نمود و مسائل دیگری به آن افزود سپس در قرن دوازدهم در شبه جزیره عربستان محمد بن عبدالوهاب این اندیشه را احیا کرد که وهابیان تاکنون منادی این افکارند.^۳

پیشینه وهابیت :

اگر بخواهیم تاریخ وهابیگری و سلفی گری را دقیقاً مورد بحث قرار دهیم باید گفت تاریخ آن بازمی گردد به قرن دوم هجری و زمان احمد بن حنبل و او را می توان از روسای این فرقه نامید و او اولین کسی بود که هنگامی که با وجود فلسفه ها و فرهنگ های غرب و شرق مواجه شد به این فکر افتاد که حدیث را از این هجمه نجات دهد ولی به تفریط شدیدی گرفتار شد و عقل را به طور کامل کنار بزند و فقط به نقل و شنیدن و حتی احادیث جعلی تکیه نماید.^۴

این تفکر از زمان بنی امیه شروع شد و توسط بنیان گذاران فکری و مروجان وهابیت تثبیت شد و تا به امروز نیز تداوم دارد. از باب نمونه: حجاج بن یوسف ثقفی یکی از عاملان امویان و مروانیان با تبعیت از تفکرات ضد اسلامی امویان و توهین به ساحت مقدس نبی گرامی اسلام و ممانعت از زیارت قبر شریف آن حضرت، به دشمنی با پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت پرداخت.

ابن تیمیه در راستای دفاع از سلف خود و اثبات دشمنی خود با امیر المؤمنین علی (علیه السلام)، در موارد مختلف و متعدد به نفع امویان موضع گرفته و به اعمال و رفتار امیر المؤمنین علی (علیه السلام) انتقاد داشته و به زعم

۱. محرمی غلامحسین ، درسنامه تاریخ تشیع ، مجتمع ناشران - مرکز نشر هاجر ، ۹۶ ، بنجم ، ص ۱۶ و ۱۷

ابن منظور محمد بن مکرم ، لسان العرب ، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع ، بیروت - لبنان ، ۱۳۶۹ ، یکم ، ج ۶ ، ص ۳۳۰

۳. فرمانیان مهدی ، فرق تسنن ، ادیان - مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب ، ۱۳۸۶ ، یکم ، ص ۵۹۳

۴. شکوری محمدجواد ، فرهنگ فرق اسلامی آستان قدس رضوی ، مشهد مقدس ایران ، ۱۳۷۵ ، چ سوم ، ج ۱ ، ص ۱۶۹

خود آن را مخالف سنت پیامبر اکرم معرفی می‌کند و یاران معاویه و فرزندان مروان و ... را جزء مسلمانان و از عاملین به احکام الهی می‌داند.

پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب_ مخالفت با سنت‌های ثابت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گرچه در بعضی از فرق اهل سنت نیز وجود دارد، ولی ظهور آن در فرقه وهابیت به گونه‌ای است که به یکی از شاخصه‌های فکری و رفتاری این فرقه تبدیل شده است. این تفکر از زمان بنی امیه شروع شد و توسط بنیان‌گذاران فکری و مروجان وهابیت تثبیت شد و تا به امروز نیز تداوم دارد.

از باب نمونه: مروان بن حکم یکی از پیشوایان فکری وهابیت با تبعیت از معاویه و ممانعت از زیارت قبر شریف پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، توهین و جسارت به امام حسن (علیه السلام) و ممانعت از دفن شدن آن حضرت در کنار جد گرامیش و تیرباران شدن جنازه آن حضرت و توهین و جسارت به سر مبارک امام حسین (علیه السلام)، دشمنی خودش با پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت آن حضرت را به اثبات رسانید.^۱

هم‌چنین حجاج بن یوسف ثقفی یکی دیگر از عاملان امویان و مروانیان با تبعیت از تفکرات ضد اسلامی امویان و توهین به ساحت مقدس نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ممانعت از زیارت قبر شریف آن حضرت، به دشمنی با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت آن حضرت پرداخت.^۲

در همین راستا احمد بن حنبل پیشوای فکری وهابیت نیز با همراهی کردن و دفاع از متوکل عباسی ناصبی و خدمت به وی؛ مواضع دوگانه نسبت به حضرت علی (علیه السلام)؛ دفاع از معاویه و یزید و توثیق و تأیید نواصب و نقل روایت از آنان؛ دشمنی خودش با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت آن حضرت را بر همگان ثابت کرده است، و ابن تیمیّه حنبلی حرانی نیز با پیروی کامل از حزب امویان و نوشتن کتاب در دفاع از معاویه و یزید و توهین و جسارت به حضرت علی و فاطمه زهرا (علیهما السلام) و تنقیص آنان، ناصبی بودن و دشمنی خود با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت آن حضرت را به اثبات رسانده و مورد اعتراض برخی علمای اهل سنت نیز واقع شده است.^۳

احمد بن تیمیّه حرانی دمشقی در سال ۶۶۲ هـ ق در منطقه ای به نام "حران" دیده به جهان گشود و در سال ۷۲۶ هـ ق در زندان دمشق ئیده از جهان فرو بست. و از سال ۶۹۸ به بعد به نشر افکار خود پرداخت و چیزی نگذشت که آرا وی به وسیله دانشمندان و محققان معاصر خود مورد انتقاد قرار گرفت. مناظرات علما با وی سبب شد که اندیشه هایش، در انزوا قرار گرفته و نتواند حرکت چشم گیری را بدید آورد و افکار وی جز لابلای کتابهای

۱. احمد بن حنبل، المسند، دارصادر، بیروت، ج ۵، ص ۴۲۲

۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی، دار إحياء الكتب العربية، بیروت، ج ۱۵، ص ۲۴۲

۳. منهاج السنة النبویة، ابن تیمیّه، مؤسسة الريان، بیروت، ج ۳، ص ۲۰۹

او و نوشته های شاگردش ابن قیم الجوزیه در جایی به چشم نخورد. اما با مرور جهان قرن، بار دیگر محیط اسلامی با افکار او روبرو گردید زیرا محمد بن عبدالوهاب نجدی به تجدید حیات این مکتب پرداخت و به اشاعه آن همت گمارد.^۱

در سال ۱۱۱۵ق در شهر «عُیینه» از منطقه «نجد» دیده به جهان گشود. فقه حنبلی و آموزش های علمی مقدماتی را نزد پدر آموخت. سفری به خانه خدا رفت و پس از آن به مدینه مسافرت کرد. مدتی نیز در بصره بسر برد و پس از بازگشت به نجد و اقامتی کوتاه در شهرهای «حُرَیْمَلَه» و «عُیینه» سرانجام در شهر «درعیه» اقامت گزید و تا پایان عمر در آنجا ماند. در این شهر با حکمران که «محمد بن سعود» نام داشت آشنا شد و با همکاری و همراهی او آیین وهابیت را پی ریزی نمود و از آن پس این دو خانواده «آل سعود» و «آل شیخ» توأماً حاکمیت سیاسی و دینی در عربستان را در اختیار دارند. شیخ محمد از ایام کودکی با آراء و اندیشه های «ابن تیمیه» آشنا گشته بود و از همان دوران سخنانی را درباره توحید، توسل، شفاعت، زیارت قبور و... بر زبان می راند. آشنایی با افکار ابن تیمیه او را در عقایدش راسخ تر کرد. لذا دست به نگارش کتاب هایی زد که عمدتاً در ردّ عقاید یاد شده می باشد. او به زعم خویش کمر به مبارزه با بدعت ها بسته بود و می کوشید تا اسلام را از پیرایه هایی که بر او بسته اند پاک سازد. لذا محور اصلی اندیشه و فعالیت های علمی او مبارزه با خرافه پرستی و بدعت گرایی و کوشش در جهت خالص سازی اسلام و اصلاح دینی بود. از این جهت ضرورت دارد که داعیه اصلاح طلبی آئین وهابیت را مورد کاوش دقیق علمی قرار داد و به ویژه تأثیرات نهضت اعتراض یا پروتستانتیزم و افکار مارتین لوترکینگ را بر بنیانگذار این فرقه و سایر پیشوایان فکری و آموزگاران علمی آن به بررسی گرفت. تعیین میزان توفیق محمد بن عبدالوهاب در پیرایش اسلام از خرافه ها و ستیز بر علیه بدعت ها و نیز پدید آوردن نهضت اصلاح دینی نیاز به تحقیقی گسترده و عمیق دارد و در این رساله فشرده و کوتاه نمی توان به آن پرداخت؛ اما همین قدر باید گفت که آراء ابن شیخ نجدی در عمل موجب تفرقه در صفوف مسلمانان و از بین بردن وحدت آنان گشت. صرف نظر از خطاهای تئوریک مؤسس وهابیت و نگرش نادرستی که در مورد توحید و شرک، زیارت، استمداد از اولیاء، توسل و شفاعت و مسائلی از این قبیل داشت، نتیجه عملی آراء او نه تنها موجب پدید گشتن اصلاح دینی در جوامع اسلامی نگشت، بلکه خود مشکلات بی شماری را پدید آورد. آراء تند او باعث ناخرسندی اغلب مسلمانان شده و واکنش هایی در رد آراء او نگاشتند و پدر و برادرش که خود از عالمان نامدار عصر بودند به مخالفت با اندیشه های او برخاستند و هر چه زمان گذشت جدایی و شکاف بین جریان وهابیت و عموم مسلمین بیشتر شد. زیرا از نظر این آیین کارهایی که غالب مسلمانان به عنوان مناسک دینی انجام می دهند، شرک آمیز و کفرآلود است.^۲

۱. سبحانی جعفر، وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۸، چ چهارم، ص ۶

۲. زینی دحلان احمد، فتنه وهابیت، همایون همتی، مشعر، تهران - ایران، ۱۳۸۶، چ ۱، ج ۱، ص ۷ و ۱۹

یکی از اشکالات مهم وهابیت بر مسلمین ، مسئله ی شفاعت است و در کتاب هایشان بیوسته از این مسئله به عنوان یک عمل شرک آمیز یاد می کنند و آن را مصاداق آیه ی « ... وَیَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ »^۱ (چیز هایی را غیر از خدا می برستند که به آن ها ضرر می زند و نه منفعت می رسانند ...) می دانند ! و می گویند : اگر کسی از پیامبر و اولیا خدا شفاعت بطلبد مثلاً بگوید : (یا محمد اشفعلی عندالله) ، جایز نیست ؛ زیرا خداوند می فرماید : « فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا »^۲

چنانکه محمد بن عبدالوهاب در رساله ی کشف الشبهات می گوید : (اگر کسی بگوید : ما می دانیم خدا به پیامبر (صل الله و علیه و آله) مقام شفاعت بخشیده و به اذن او می تواند شفاعت کند و چه مانعی دارد ما آنچه را خدا به او بخشیده از او تقاضا کنیم ؟ در پاسخ می گوییم : درست است که خدا به او مقام شفاعت داده ، ولی شفاعت از او را نهی کرده و فرموده است « فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا » ؛ پس هیچ کس را با خداخوانید . به علاوه مقام شفاعت منحصر به پیامبر (صل الله علیه و آله) نیست ، فرشتگان و دوستان خدا نیز این مقام را دارند . آیا می توانیم از آن ها نیز درخواست شفاعت کنیم ؟ اگر کسی چنین بگوید ، بندگان صالح خدا را عبادت و پرستش کرده است . قبل از پاسخ به این شبهه لازم است مفهوم شفاعت را به طور مختصر مورد بررسی قرار دهیم :

حقیقت شفاعت

شفاعت در لغت از ریشه ی (شفع) به معنای (جفت کرد) است . شفع یعنی شی را به مانند خودش ضمیمه کرد و شفاعت یعنی ضمیمه شدن به شخص دیگری ؛ در حالی که همراه و یاور او است از او در خواستی دارد ؛ و در بیشتر موارد در جایی استعمال می شود که شخصی که جایگاه بلندی دارد به دیگری که در رتبه پایین تر است ضمیمه شود ؛ و نقطه مقابل آن (وتر) به معنای واحد و تنها است .

توضیح این که ، در حقیقت شخصی که متوسل به شفیع می شود نیروی خودش به تنمهایی برای رسیدن به هدف کافی نیست لذا نیروی خود را با نیروی شفیع گره می زند و در نتیجه آن را دو چندان نموده ، به آنچه می خواهد نایل می شود ، به طوری که اگر این کار را نمی کرد و تنها نیروی خود را به کار می بست ، به مقصودش نمی رسید ؛ زیرا نیروی او به تنهایی ناقص و ضعیف و کوتاه بود حقیقت شفاعت اولیا خدا و پیامبر برای گنهکاران نیز چنین است . آن ها به خاطر حرمت و ابرو و قربی که در پیشگاه خداوند دارند ، می توانند برای مجرمان و گنهکاران واسطه شوند و از خداوند متعال بخواهند که از تقصیرات آنان در گذرد ؛ به عبارت دیگر ،

^۱ . یونس آیه ۱۸

^۲ . جن آیه ۱۸

شفاعت همان کمک و یاری رساندن مقربان درگاه الهی است که با اذن خداوند شامل افرادی می شود که در عین گنهکار بودن بیوند ایمانی خود را با خدا قطع نکرده اند.^۱

نقد استدلال وهابی ها به آیات مربوط به شفاعت

وهابی ها برای اثبات ادعای خود به آیاتی تمسک کرده اند که هیچ ربطی به مسئله ی مورد نظر ندارد؛ مانند :

۱. « وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ... »^۲

مورد خطاب آیه مشرکین هستند که بت ها را می برستیدند و هیچ گونه ارتباطی با مسئله ی شفاعت مورد بحث ندارند . اگر خداوند در این آیه آنان را مشرک می شمرد نه از این نظر است که آن ها از بت های خود شفاعت می طلبیدند ، بلکه به علت این بوده که بت ها را می برستیدند .

اگر طلب شفاعت از بت ها ، در حقیقت ، برستش آن ها بود ، دیگر دلیلی نداشت که جمله (یعبدون) را بیاورد .

۲. « ...فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا »^۳

آنچه در آیه نفی شده است خواندن کسی همراه با خدا است ، نه خواستن از خدا به واسطه ی شفیع ؛ علاوه بر این ، منظور از نهی در آیه ، نهی از شریک قرار دادن برای خدا در عبادت است ، به قرینه صدر آیه که می فرماید (وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ) بس معنای آیه این می شود که (سجده گاه ها) از آن خداست ، پس دیگری را با خدا برستش نکنید) .

بنابراین آیه هیچ ربطی به مسئله ی طلب شفاعت از پیامبران و اولیا خدا و امامان (علیه السلام) ندارد ؛ زیرا مورد خطاب این دو آیه مشرکان هستند که بت ها می پرستیدند و در مقابل آن به سجده می افتادند .

نتیجه گیری

ملاک این تحقیق، شناساندن آراء و نظریات وهابیت می باشد. اینکه علت دشمنیشان با شیعه را مشخص می کند. عقاید وهابیت که از جمله در زمینه توحید و شرک و توسل جستن و شفاعت و روز جزا و... بسیار متفاوت می باشد. و کاملاً نادرست و اشتباه و باطل است. و اما اینکه نمی توان ادعا کرد هر کس موحد است باید اثر و فعل خداوند دانست و یا اینکه توسل جستن و شفاعت خواستن از ائمه اطهار را شرک محسوب می شود. شرک تعریفی

۱. اسد علیزاده اکبر ، نقد اندیشه های وهابیت ، قم انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه قم ، اول ، ۱۳۸۸ ، ص ۵۵ تا ۵۷.

۲. یونس آیه ۱۸

۳. جن آیه ۱۸

سواى از اين موارد دارد . بلکه توسل و شفاعت از ايمه هم به منظور نزديک شدن به درگاه الهى و تقرب الهى است . اين مباحث به صورت کلى و اجمالى نقد و بررسى شده است . که بعد از آياتى و رواياتى که اين فرقه آورده است . مورد قبول نمى باشد و ذر نظريه و آرا وهابيت رد مى شود . اما مورد ديگر در خصوص عالم برزخى و روح در آن عالم و ارتباط داشتن با اولياى خداوند در آن عالم است که کاملاً ثابت و پا برجا است . که وهابيت در اين خصوص هم اشکالات و نظريات فراوانى را مطرح کرده . که اصلاً هيچ کدام عقلانى نمى باشد . و هابيت براى از بين بردن تشيع و عقايد و افکارشان تلاش بسيارى کرده است و لازم ذکر است که بگوييم براى دشمنيشان دلايل فراوانى هم دارند که مهمترين آن ها توسل و شفاعت ائمه استن . باز با اين همه تلاش بى در بى و فکر براى نابودى تشيع هميشه و هرزمان باشک مواجه شده اند .

فهرست منابع

*قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، دار إحياء الكتب العربیة، بیروت
۲. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت - لبنان، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۳۶۹
۳. احمد بن حنبل، المسند، بیروت، دارصادر
۴. اسد علیزاده اکبر، نقد اندیشه های وهابیت، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه قم، ۱۳۸۸
۵. الجوهری الفارابی ابونصر اسماعیل بن حماد، الصحاح، عطار، احمد عبدالغفور، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ه ق
۶. برنجکار رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، کتاب طه - قم موسسه فرهنگی طه، ۱۳۹۶
۷. راغب اصفهانی حسین بن محمد، ترجمه مفردات الفاضل قرآن، مصطفی رحیمی نیا، سبحان، ۱۳۸۸
۸. زینی دحلان احمد، فتنه وهابیت، تهران ایران، همایون همتی، مشعر، ۱۳۸۶
۹. سبحانی جعفر، وهابیت مبانی فکری و کارنامه عملی، موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۸
۱۰. اسلامی، مشهد مقدس ایران، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ شکوری محمدجواد، فرهنگ فرق
۱۱. صالحی عباس علی، پایان نامه فلسفه و کلام حیات برزخی از دیدگاه وهابیت، موسس آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی، ۱۳۹۶
۱۲. طباطبایی محمد حسین، المیزان، سید محمد باقر موسوی همدانی، موسسه انتشارات امیر کبیر،
۱۳. عباسی حبیب، تیشه ها و ریشه ها، دلیل ما، قم، ۱۳۸۹
۱۴. ادیان - مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶ فرمانیان مهدی
۱۵. محرمی غلامحسین، درسنامه تاریخ تشیع، مجتمع ناشران - مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۶
۱۶. مکارم شیرازی ناصر، وهابیت بر سر دو راهی، قم، مدرسه امام علی ابن ابیطالب، ۱۳۸۶
۱۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، ۱۴۰۳
۱۸. منهاج السنه النبویه، ابن تیمیه، مؤسسه الریان، بیروت

۱۹. ناصر مکارم شیرازی ، پیام قرآن ، تهران ، دارالکتب اسلامی ، ۱۳۸۶
۲۰. نهایندی علی ، عقل گرایی در کلام شیعی ، مشهد ، انتشارات قدس رضوی ، ۱۳۹۴
۲۱. نا شناخته ، توحید اسلامی و نظری بر وهابیت